

بررسی انواع پوشش سر مردان در نگارگری های مکتب هرات

سیما صمدیان

دانشجو مقطع کارشناسی رشته هنر اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

Email: sima.samadian78@gmail.com

دکتر مهدی کاظم پور

عضو هیئت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز

Email: m.kazempour@tabriziau.ac.ir

چکیده

پوشش سر در ایران با جایگاه اجتماعی اشخاص مرتبط بوده به طوری که آثار هنری از جمله نگارگری نیز می توان اینگونه تفکری را مشاهده کرد. مکتب هرات که یکی از مکاتب مهم نگارگری ایرانی محسوب می شود، با کسب رئالیستی زندگی افراد عادی را به تصویر کشیده بنابراین به پوشش افراد توجه زیادی شده است. از جمله این پوشش ها، پوشش سر است. حال این مقاله در نظر دارد، با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه ای انواع پوشش سر مردان در نگارگری های مکتب هرات را، با این هدف که آیا میتوان با توجه به پوشش سر به جایگاه اجتماعی و پیشه اشخاص پی برد؟، مورد مطالعه قرار دهد. یافته این مقاله، انواع پوشش سر مردان در مکتب هرات و جایگاه افراد با توجه به نوع پوشش سرشان است.

واژگان کلیدی: نگارگری، مکتب هرات، پوشش سر، کلاه، جایگاه اجتماعی

مقدمه

سر آدمی نماینده روح و تفکر است. پوششی که انسان بر سر دارد، مقصودی را به دیگران منتقل می کند. از دوره های قبل از اسلام، پوشش روی سر به شکل های مختلف رایج بوده و البته در هر دوره این پوشش تغییر کرده است. از دوره تیموریان منابع مکتوبی که مطلبی از پوشاک داشته باشد، بسیار محدود هست به همین جهت، مشاهده آثار نگارگری از اواخر قرن هشتم تا اوایل قرن دهم هجری قمری ضروری به نظر می رسد و به دلیل به کمال رسیدن هنر نگارگری در دوره تیموریان، این نگاره ها تا حدودی کمبود منابع مکتوب را جبران می کند. تعدادی از نگاره ای عصر تیموری، داستان ها و روایت های مربوط به قبل از دوره تیموریان را به نمایش می گذارند اما نحوه پوشش افراد در این نگاره ها ترسیم شده است به همین دلیل، بررسی تطابق مطالب منابع مکتوب با آثار نگارگری این دوره، درک بهتری از پوشش سر در آن دوره را ارائه می دهد و روش نمونه گیری این مقاله به صورت احتمالی است و سعی شده نگاره هایی که دارای فیگورهای بیشتر، بیشترین تعداد کلاه و کلاه های متنوع باشند، مورد بررسی قرار بگیرند. بررسی پوشش سر به عنوان یک مبحث اجتماعی در رابطه با بحث پوشاک در هر دوره از با ارزش ترین منابع شناخت توده های مختلف مردم آن دوره می باشد؛ به همین دلیل نیازمند تحقیق و بررسی های بیشتری است. در این مقاله تعداد ۱۹ نگاره مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

با توجه به منابع موجود، مقاله ای در خصوص پوشش سر مردان نگارگری های مکتب هرات با هدف تشخیص جایگاه افراد وجود ندارد و تمایز این مقاله با بقیه مقالات را نشان می دهد. مقاله ای در مورد پوشش سر در دوره تیموری انجام شده است. سوگل یوسف پور و ابوالحسن فیاض انوش، در مقاله «بررسی تاریخی پوشش سر در عصر تیموریان (۷۷۱-۹۱۱ ه.ق)» در تاریخنامه خوارزمی_ فصلنامه علمی_ تخصصی سال چهارم، پاییز ۱۳۹۵، انواع پوشش سر در زن و مرد را در این دوره بررسی کرده اند. (یوسف پور، فیاض انوش، ۱۳۹۵) همچنین کتاب «تاریخچه پوشش سر در ایران» که در بخشی از آن به پوشش تیموریان پرداخته است (شهشهانی، ۱۳۷۳). در کتاب «مختصری درباره تاریخ تحولات لباس و پوشاک در ایران» نیز در فصل هشتم کتاب به پوشش مردان در دوره تیموری پرداخته است (یاوری، حکاک باشی، ۱۳۸۹). کتابی با عنوان پوشاک ایرانیان

توسط پیمان متین نوشته شده است که در بخشی کوتاه به پوشش دوره هرات پرداخته است (متین، ۱۳۸۶). همچنین در کتاب « سیر تاریخ و تحولات پوشش ایران» از رامونا محمدی، در فصل دوم کتاب اشاره ای به کلاه دوره تیموری شده است (محمدی، ۱۳۹۲). در کتابی از پروفسور ارنست کونل ترجمه هوشنگ طاهری با عنوان « هنر اسلامی» و در سفرنامه کلاویخو به ترجمه مسعود رجب نیا، به صورت پراکنده به پوشش سر اشاره شده است.

دوره تیموری

هنوز خاطرات تلخ هجوم مغول ها فراموش نشده بود که بار دیگر سرزمین ایران مورد تاخت و تاز تیموریان، واقع شد. بدین ترتیب که صد و پنجاه سال بعد از نخستین یورش مغولان به ایران، تیمورلنگ و لشکریانش را مورد هجوم قرار دادند (محمدی، ۱۳۹۲، ۱۵۳). آثار بی شماری را به دست نابودی سپرده و به همان میزان وحشت و خرابی ایجاد کردند، اما آنچه را نتوانستند از میان ببرند تنها روحیه فرهنگی و ذوق ایرانی بود. تیمور سرانجام سمرقند را به پایتختی خود برگزید، آن را به شهری آباد و زیبا کبدل کرده و با کوچاندن هنرمندان از تبریز و بغداد به خلق آثار هنری در سمرقند همت گمارد (همان، ۱۵۴). بعد از تیمور، شاهرخ در تخت سلطنت ایران نشست و دولت وی در نتیجه کفایت و کاردانی او مدت ها دوام یافت. دربار تیمور و جانشینانش از بهترین مراکز علم و ادب و هنر شد و در اثر شایستگی او و فرزندانش دوره درخشان دیگری در تاریخ تمدن ایران به وجود آمد. دیگر امیر تیموری سلطان حسین بایقرا (سلطان حسین میرزا) عصر او، درخشان ترین در تمدن تیموریان محسوب می گردد. فضای آرام و شرایط فرهنگی موجود در هرات سبب شد که سلطان حسین بایقرا و وزیر وی، امیر علی شیرنوی، از حامیان پر و پا قرص هنر و ادب شوند. وی به همراه وزیرش امیرعلی شیرنوی کوشید تا شاعران، نویسندگان، هنرمندان و خطاطان را تحت حمایت خود قرار دهد. لازم به ذکر است که وی آخرین پادشاه تیموری بود. در دوران تیمورلنگ و به دلیل علاقه ای که به هنر و صنعت داشت در این دوران هنر و صنعت به طور شگفت انگیزی پیشرفت نمود. در این دو دوره (ایلخانی و تیموری) تن پوش های ایرانی به شدت تحت تاثیر نقاشی ها و هنر و پوشش مردم چین قرار گرفت و این مطلب در ابتدا از دوخت لباس ها و البسه درباری که محقق شاهزادگان، درباریان، افراد عالی مقام و صاحب مذهبان بود، نشات گرفته و آغاز شد و سپس در میان دیگر مردمان و لباس های نظامی نیز رواج یافت و خیاطان چینی نیز به تدریج دوخت لباس های قالب تن را در ایران و برای ایرانیان رواج دادند و حتی کلماتی چون قیچی، الگو، و اتو از جمله لغات چینی است که از آن دوران در ایران رواج گردید (همان، ۱۵۵ و ۱۵۶).

پوشاک ایران در دوره تیموریان

پوشاک و لباس یکی از مهم ترین شاخصه های اجتماعی و فرهنگی برای بررسی جامعه عصر تیموری است و لباس زنان و مردان در این دوره شامل سه بخش سرپوش ها و پای پوش ها طبقه بندی می شود. عناصر اصلی تن پوش در دوران ایلخانی

و تیموری تلفیق زیباست از عناصر پوشاک ایرانی و زیور آلات آنها با عناصری از پوشاک چینی که می توان آن ها را چنین برشمرد. از پوشاک مردان: ۱. پیراهن ۲. پیراهن زیر ۳. قبا، تن پوش رویی ۴. جبه ۵. عبا، ردا ۶. شلوار ۷. کمربند و شال ۸. دستکش ۹. پوشش سر ۱۰. پاپوش ۱۱. پوشاک نبرد (محمدی، ۱۳۹۲، ۱۵۶). پوشش سر شامل کلاه، عمامه، تاج و کلاهخود می شود که در این مقاله به کلاه پرداخته می شود.

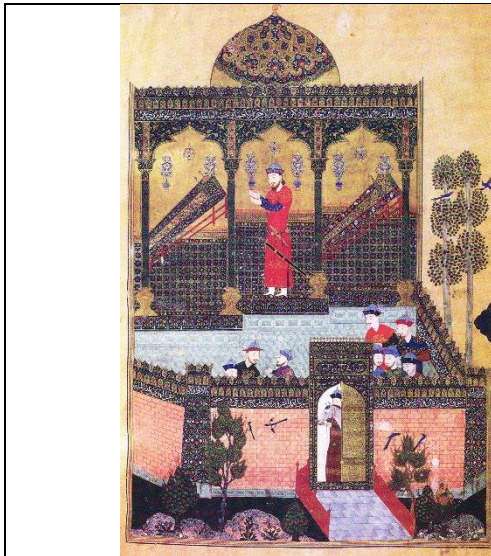
یافته های تحقیق

سرپوش مردان

در مکتب هرات معمولا پوشش سر مردان را انواع کلاه و عمامه و تاج تشکیل می داد:

۱- کلاه : کلاه های این دوره بسیار متنوع و بر اثر ارتباط با دربار چین معمولا کروی، مخطوطی شکل و لبه دار بودند. جنس این کلاه ها غالبا از نمد یا پوست بود و گاه به دور کلاه های قبه مانند دستاری رنگی نیز پیچیده میشد (محمدی، ۱۳۹۲، ۱۵۸).

انواع کلاه مدور کوچک لبه دار:



تصویر ۲، نگاره سوگواری فرامرز، شاهنامه بایسنقری، مکتب هرات (آژند، ۱۳۸۷، ۱۴۹)



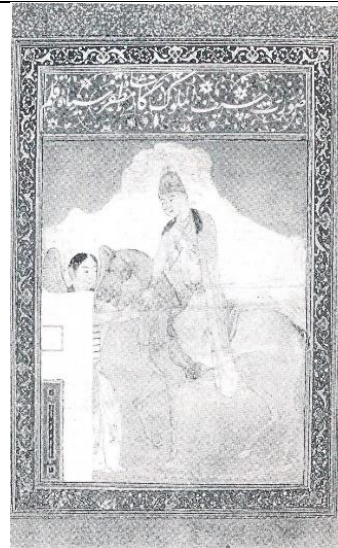
تصویر ۱، بخشی از نگاره جلوس شاهنامه لهراسب، شاهنامه بایسنقری، مکتب هرات (آژند، ۱۳۸۷، ۱۴۵)



تصویر ۴، بخشی از نگاره جشن دربار از بوستان سعدی، هرات (آژند،
۱۳۸۷، ۴۹)



تصویر ۳، بخشی از نگاره در حضور سلطان از بوستان سعدی،
هرات (آژند، ۱۳۸۷، ۴۰۹)



تصویر ۵، چهره و پیکره سیف الملوک، مکتب هرات (آژند، ۱۳۸۷،
۲۰۶)

انواع کلاه های مخروطی:



بخشی از نگاره بایسنقر در گلگشت از کلیله و دمنه (آزند، ۱۳۸۷، ۸۱)



تصویر ۶، بخشی از نگاره بیکره های مسافران (آزند، ۱۳۸۷، ۲۹۸)



تصویر ۸، بخشی از نگاره سلطان حسین بایقرا در گلگشت از مرقع گلشن، مکتب هرات (آزند، ۱۳۸۷، ۲۲۸)

انواع دیگر کلاه ها:



تصویر ۱۲، بخشی از نگاره خسرو و آب تنی شیرین از خمسه نظامی
عصمت الدنیا خایر خاتون (آزند، ۱۳۸۷، ۱۷۵)



تصویر ۱۰، به شکار رفتن تیمور از ظفرنامه
علی یزدی (آزند، ۱۳۸۷، ۲۳)

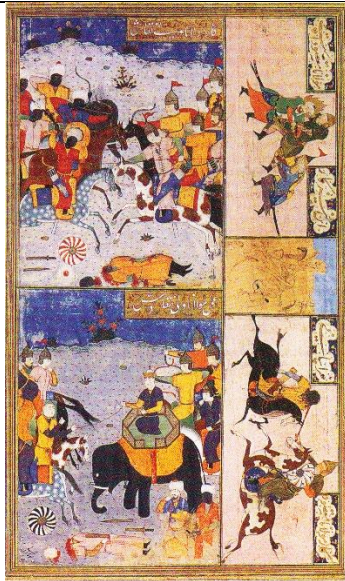
در کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین در ذکر مجملی از تاریخ افعال و اقوام تیمور آمده است: « چون عرصه مملکت فسحت یافت، طوایف مختلف از اطراف و اکناف عالم با تفرق السنه و اختلاف البسه ملازم درگاه آسمان اساس گشتند. هر یک به رسم خویش در تکلف پوشیدنی کوشیدندی. هر روز ده هزار لاقل بل بیشتر در ساوری جمع آمدندی اکثر به قماش اسکندرانی و شرب مصری و صوف مربع و سقرلاط عمل به بنات به بسمه مذهبی و کمخاء مهذبی به کلاه نوروزی و کمر جتای طلادوزی ملتبس بودی...» (یوسف پورو فیاض انوش، ۱۳۹۵، ۱۹۴ و ۱۹۵). در این دوره کلاه یکی از خلعت هایی بود که در مناسبت های گوناگون به عنوان تشریف و گرامیداشت و گاه به عنوان انعام اهدا می شد زیرا در زبده التواریخ حافظ ابرو آمده است: « در اوایل ربیع الآخر حضرت امیرزاده اعظم الغ بیک گورکان و امیرزاده محمد جهانگیر و امیر اعظم امیر شاه ملک بهادر را که از خوارزم آمده بود، طوی سنگین کرد و دیگر امرا را نیز خلعت های پادشاهانه از کلاه و کمر و پوستین های طلادوزی قاقم و سمور و سنجاب و اسبان خوب انعام فرمود...» (همان، ۱۹۵).

کلاویخو در اولین ملاقات خود با تیمور قبایی از پرنده ساده و بی پیرایه و بدون گلدوزی برتن و کلاه سفید بلندی بر سر داشت که فرق آن یک لعل بدخشان قرار داشت و بر گرد آن مروارید و گوهرهای گرانبها دیده میشد (کلاویخو، ۱۳۷۴، ۲۲۴). کلاویخو شیوه تزئین کلاه در دوره تیموری را اینگونه توصیف می کند: « برسر کلاهی بلند داشت که مکمل به جواهر و تزیینات دیگر بود. بر بالای این کلاه جقه ای زرین بود که در غلافی قرار داشت و از این جقه دو طره موی سرخ اسب که هر یک به هم بافته شده بود آویزان بود و این طره ها پایین می آمد تا به گردن و بر بالای شانه های وی می رسید. این شیوه تزئین با طره اسب طریقی است که اینک توسط تیمور معمول گشته است (همان، ۱۳۵ و ۱۳۶).

کلاه درویشان طایفه نام داشت که نوعی کلاه بلند مخروطی بود. فضل الله استرآبادی مؤسس فرقه حروفیه در دوره تیموریان به طایفه دوزی اشتغال داشت و طایفه های عجمی می دوخت و بعضی از مریدان وی از جمله احمد لر که از پیروان فرقه مذهبی-سیاسی حروفیه بود و درصدد قتل شاهرخ تیموری برآمد، در تیمچه ای حجره ای اختیار کرد و به پیشه فضل الله استرآبادی یعنی طایفه دوزی روی آورد. طایفه را با کاغذ آستر می کردند و فاصله ی میان آستر را که با سر مماس بود و قسمت بیرونی طایفه را اغلب با قطعات کاغذ می انباشتند. همچنین در طریقت نقشبندیه، که یکی از فرقه های مهم صوفیه در دوره تیموریان بود، کلاه برای دریافت مقامی از تصوف و در جرگه صوفیان در آمدن محسوب می شد. مبارک بخاری در کتاب انیس الطالبین و عده السالکین که یکی از مهم ترین آثار در اصول طریقت نقشبندیه و شرح زندگی و مقامات بهاءالدین نقشبند می باشد، اشاره دارد که « با آن کلاه تو را در سلوک راه حق از آن چاره نباشد.» در دوره تیموریان، اغلب تاج های درویشان و اهل طریق تاج نمد بود (که مولوی بر سر می گذاشت) و تاج پوست که در دوره تیموری اغلب متصوفه بر سر می گذاشتند و تاج هزار بخیه و تاج قریشی و مفتولی و کله پوش و مزوجه و شمسی و دروازه ترک و چتر و صوف و دو ترک و امثال این ها (یوسف پور و فیاض انوش، ۱۳۹۵، ۱۹۴ و ۱۹۵).

کلاهخود: در این دوران در هنگام نبرد از کلاهخود استفاده می شد که اشکال مختلفی داشت. اما غالباً در مرکز کلاهخود پر یا بیرق نصب می شد و کلاهخود دارای زائده هایی در پشت خود برای پوشاندن گوش ها و گردن بود (محمدی، ۱۳۹۲، ۱۵۹). در آن زمان کلاهخود با دو شکاف چشم که بشکل ناقوس بر روی عمامه قرار میگرفت، رایج گردید. بدنه ی آن با کتیبه و طرح های اسلیمی تزیین میشد (این طرح ها از تارهای سیمین چکش خورده ظریفی ساخته شده بود). از این نوع خود مغولی بعدها خود کوچکتر و پهن تر ایرانی و بالاخره کلاهخودهای مخروطی شکل ترکی متدرجا راه کمال پیمود. ندرتا کلاه خودهایی هم که تمام صورت را میپوشانید، ساخته میشد (کونل، ۱۳۸۴، ۱۲۵).

انواع کلاهخود :



تصویر ۱۴، نگاره هایی از نقاشان (مولانا مقصود و مولانا ولی الله) آژند،
(۱۳۸۷، ۲۰۷)



تصویر ۱۳، نگاره جنگ کیخسرو با افراسیاب از شاهنامه بایسنقری (آژند،
(۱۳۸۷، ۱۴۷)

۲- عمامه :

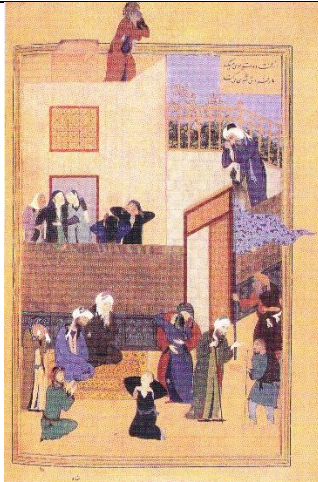
عمامه کم کم جای کلاه های سلجوقی و مغولی را گرفت زیرا کلاه را نشانی از کفر و الحاد و دستار و عمامه را نمادی از ایمان به اسلام می دانستند (متین، ۱۳۸۶، ۵۸). دستار یا عمامه غالباً پارچه سفید رنگ بلندی بود که هم به دور انواع و اقسام کلاه ها و هم به اشکال مختلفی به دور سر پیچیده می شد. برخی از این دستارها به صورت کوچک و با تعداد دور های کمتری بسته می شدند و دنباله آن ها غالباً در یک طرف صورت آویزان می شد و گاه پری به جهت تزیین در جلو یا در میان آن قرار می گرفت. البته گاه نیز دستار را به طور کامل به دور سر می پیچیدند که حجم عظیمی در بالای سر ایجاد می شد. این دستارها همان طور که گفته شد معمولاً سفید رنگ بودند د به دور کلاه هایی به رنگ های آبی، قرمز، سبز یا زرد که از جنس پارچه لفافدار، پشم و یا نمد بودند، پیچیده می شدند (محمدی، ۱۳۹۲، ۱۵۸ و ۱۵۹).

انواع عمامه پیچیده به کلاه: همراه با عمامه، کلاه های ساده ای نیز معمول بوده که جنس آن از پارچه لفافدار، پشم و یا نمد بوده است (یاوری و حکاک باشی، ۱۳۸۹، ۶۶). کلاویخو پوشش سر مردان خراسان را اینگونه شرح میدهد: ایرانیان حدود (دستاری) که با پیچیدن و تاب دادن تکه پارچه میسازند بر سر میگذارند (کلاویخو، ۱۳۷۴، ۱۹۵).

طیلسان: پارچه ای چهارگوش از جنس پشم یا ابریشم بود که علما یا فقیهان بر روی عمامه ی خود بر سر می گذاشتند، به طوری که دنباله آن گردن، شانه ها و حتی کمر را می پوشاند. این پوشش در واقع لباس رسمی قضاوت، وکلا، صوفی ها، مدرسان الهیات کشیشان مسیحی بود، ولی بعد ها در میان رجال و دیگر مردان کشورهای اسلامی، مرسوم گردید. در دیوان البسه طیلسان

با عنوان کلاه زاهدان و دوش انداز عربان آمده است. در این دیوان آمده است: طیلسانست میان من و دستار حجاب وقت آنست که این پرده بیکسو فکنم قضا را سجاده مگر با ردا دگر خرقة و طلیسان و عصا (یوسف پورو فیاض انوش، ۱۳۹۵، ۲۰۱).

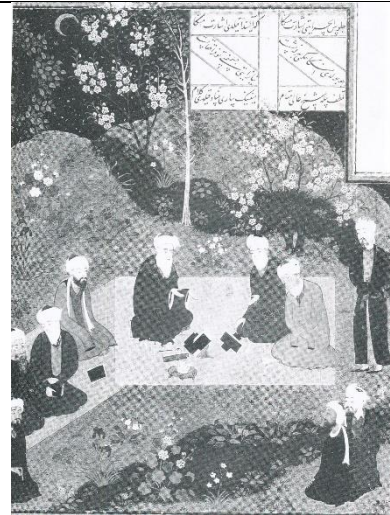
انواع عمامه :



تصویر ۱۸، نگاره سوگواری بر شوهر لیلی از خمسه نظامی (آژند، ۱۳۸۷، ۲۰۵)



تصویر ۱۷، نگاره شتر و شیر خوردن بچه شتر، کار استاد ولی الله (آژند، ۱۳۸۷، ۲۰۹)



تصویر ۱۹، نگاره مجلس شیوخ (آژند، ۱۳۸۷، ۲۳۰)

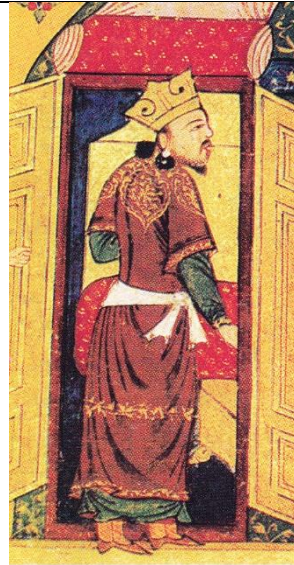
۳- تاج

تاج از جمله سرپوش های مهم این دوران بود که تزیینات بسیار مجللی داشت. معمولا در این تاج ها مرکز تاج به شکل قبه (نیم کره) و دور قبه آن را لبه ای بلند و طلایی فرا می گرفت (محمدی، ۱۳۹۲، ۱۵۹).

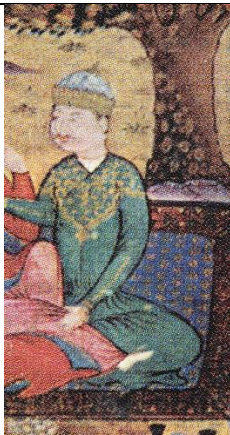
انواع تاج :



تصویر ۲۲، بخشی از نگاره بایسنقر در گلگشت (آژند، ۱۳۸۷، ۸۰)



تصویر ۲۱، بخشی از نگاره غازان خان در مقابل خیمه از تاریخ رشیدی (آژند، ۱۳۸۷، ۱۴۰)



تصویر ۲۴، بخشی از نگاره بایسنقر میرزا در گلگشت، مکتب هرات (آژند، ۱۳۸۷، ۷۵)



تصویر ۲۳، بخشی از نگاره شاهزاده در گلگشت، نقاشی ایرانی با تاثیرپذیری از نقاشی چینی دوره مینگ، هرات (آژند، ۱۳۸۷، ۳۵)

نتیجه گیری

با توجه به مطالعات، سه نوع پوشش سر مردان در دوره ی تیموری رواج داشته است: کلاه، تاج و عمامه. فرد دارای تاج در بالاترین جایگاه اجتماعی است ولی در مورد کلاه و عمامه این مسئله مشکل مینماید مخصوصاً درباره کلاه که فقط با توجه به میزان تزئینات و کار بر روی کلاه میتوان جایگاه اجتماعی شخص را فهمید. مقام فرد دارای کلاه خود را نیز میتوان به راحتی تشخیص داد. کلاه درویشان نیز طایفه نام دارد و متفاوت از انواع دیگر است. فردی که عمامه اش با طیلسان مزین شده میتواند قاضی، وکیل، صوفی، مدرس الهیات کشیشان مسیحی و فردی زاهد باشد ولی بعد ها در میان دیگر مردان کشورهای اسلامی نیز رایج شد.

منابع

- آژند، یعقوب، (۱۳۸۷)، مکتب نگارگری هرات، فرهنگستان هنر، تهران.
- شهشهبانی، سهیلا، (۱۳۷۴)، تاریخچه پوشش سر در ایران، مدبر، تهران.
- کلاویخو، روی گنزالس، (۱۳۴۴)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- کونل، ارنست، (۱۳۸۷)، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، توس، تهران.
- متین، پیمان، (۱۳۸۳)، پوشاک ایرانیان، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- محمدی، رامونا، (۱۳۹۲)، سیر تاریخ و تحولات پوشش ایران، جمال هنر، تهران.
- یاوری، حسین، حکاک باشی، سارا، (۱۳۸۹)، مختصری درباره ی تاریخ تحولات لباس و پوشاک در ایران، سیمای دانش، تهران.
- یوسف پور، سوگل، فیاض انوش، ابوالحسن، (۱۳۹۵)، بررسی تاریخی پوشش سر در عصر تیموریان (۷۱۱-۹۱۱ ه.ق)، شماره ۱۳، تاریخنامه خوارزمی، تهران، ۱۸۹ تا ۲۲۵.